

زنان و اشتغال

مینا پژوم

در رابطه با موضوع زن مباحث زیادی گفته و نوشته شده است، اما مهم این است که در رابطه با حقوق زنان نباید افراط و تفریط کنیم. ما موظف هستیم به این حقوق شناخت بیشتری پیدا کنیم و در چارچوب احقاق آن گام برداریم. همه ما باید بدانیم و باور کنیم که زن به عنوان یک انسان صاحب حق و حقوقی است که جنس مقابل او به مناسبت انسان بودنش داراست. طبیعی است که در این مورد باید تواناییها و قابلیت‌های هر طرف مورد توجه قرار گیرد تا بتوان در راستای تکامل خود، طرف مقابل و از همه مهمتر اجتماع گام برداشت.

از مهمترین نقش زنان می توان ایجاد یک کانون گرم و صمیمانه در منزل، اداره منزل، پرورش جوانان برومند، مشاوره و همکاری دلسوزانه برای مردان خود، نام برد. باید بدانیم در قفای هر زندگی موفق، هر قهرمان نامدار، سیاستمدار نامدار، دانشمند بزرگ، جوان برومند، مرد موفق در کار و اقتصاد یک مادر و یا یک همسر دلسوز و کاردان وجود دارد. تربیت صحیح فرزندان و محیط صمیمی و گرم خانواده به دستاوردهایی همچون نیروی انسانی خلاق و منضبط و قابل اعتماد در آینده منجر خواهد شد. زنان رفتارهای عقلایی همچون پس انداز و صرفه جویی در مصرف را ترویج خواهند کرد، هسته اصلی خلاقیت و تکنولوژی را طراحی خواهند کرد. نطفه اختراعات و ابتکارات را به جامعه انتقال خواهند داد و با تربیت صحیح و ایجاد محیط سالم، بزهکاری و هزینه های اتلاف منابع انسانی را کاهش خواهند داد و مانع هدر رفتن نیرو و انرژی انباشته کشور خواهند شد. بنابراین، زنان سازنده سرمایه های انسانی و به همراه آن سرمایه اقتصادی و اجتماعی آینده کشورند. به راستی که کار زنان و مادران ارزشی فراوان دارد.

اشتغال زنان

اشتغال به وجود آورنده شخصیت اقتصادی و اجتماعی است. اصولاً رابطه بسیار نزدیکی بین سطح پایای بیکاری و کمکاری، فقر گسترده و توزیع نابرابر درآمد وجود دارد. کسانی که شغل مشخص و منظمی نداشته یا فقط شغل نیمه وقت نامنظم دارند، در زمره فقیرترین افراد قرار می گیرند و افرادی که در بخشهای عمومی و یا خصوصی دارای شغل منظمی هستند، عموماً در میان گروههای درآمدی متوسط تا بالا قرار می گیرند.

صرفنظر از وضعیت اقتصادی، اشتغال یک انسان با هویت و شخصیت اجتماعی فرد نیز در ارتباط تنگاتنگی است. جایگاه اجتماعی مناسب در گرو نوع شغل و یا اساساً در شاغل بودن فرد می باشد. وجود اعتماد به نفس، قدرت برخورد با مشکلات،

روحیه سالم و با نشاط، توانمندی و خلاقیت و ابتکار، مسئولیت پذیری و خلاصه بسیاری از ویژگیهای دیگر را در انسانی که دارای شغلی رضایتمند می باشد، میتوان یافت.

یکی از مشخصه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور توزیع نیروی کار شاغل در وضعیت شغلی است که بازگو کننده تمرکز و یا عدم تمرکز نیروی کار و سرمایه است. در این مشارکت زنان در صحنه های مختلف اقتصادی و اجتماعی نقش مهم و بسزایی دارد. ۲/۳ کارهای انجام شده در جهان توسط زنان انجام می گیرد، در حالیکه تنها ۱/۱۰ درآمد جهانی به آنان تعلق دارد. در کشورهای در حال توسعه زنان از نظر بهداشت، سواد و تحصیلات، امکانات رفاهی و اشتغال وضع مناسبی ندارند و اکثراً نتیجه کار آنان پنهان و در محاسبات درآمد خانواده و ملی محسوب نمی گردد.

در کشورهایی با توسعه متوسط و یا در حد پایینتر، در خیلی موارد زنان مجبورند کارهایی با دستمزد پایین را بپذیرند. عدم تحرک به منظور یافتن شغل بهتر و دستمزد بیشتر بر موقعیت زنان تأثیر می گذارد. به همین جهت به عنوان کارگر مزدبگیر کار می کنند و در فعالیتهای کم درآمد و بی ثبات به کار گمارده می شوند، زیرا دست اندرکار فعالیتهای تولیدی بودن، به عنوان نقش دوم آنها قرار دارد و به عنوان منبع اولیه درآمد خانواده محسوب نمی شود. با وجود این مسایل، زنان به خاطر فشارهای شدید فقر و بی پولی و به منظور نگهداری خانواده هایشان به جستجوی کار می پردازند.

نگرشها نسبت به اشتغال زنان از گذشته تاکنون

در کشور ایران تاریخچه مشارکت زنان ایرانی به شرح زیر میباشد:

با گسترش صنایع در نقاط مختلف کشور و رشد فعالیتهای خدماتی نوین ملی در دوره ۵۵ - ۱۳۳۵ زنان به نحو فزاینده ای وارد بازار کار شدند. سهم زنان در بازار کار از ۹/۵٪ در سال ۱۳۳۵ به ۱۴/۸٪ در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. پس از انقلاب به سبب عوامل مختلف از جمله تحریمهای اقتصادی کشورهای صنعتی و سپس آغاز جنگ تحمیلی، اقتصاد کشور دچار رکود شد. این امر علاوه بر مسائل اجتماعی، شمار زنان فعال در کشور را کاهش داد.

در فاصله سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ سهم زنان و دختران جوان در بازار کار به شدت کاسته شد. افزایش کوشش تحصیلی از یکسو و رکود فعالیتهای اقتصادی و کاهش مزد واقعی از سوی دیگر از ورود بسیاری از نیروهای بالقوه به بازار کار جلوگیری کرد. با پایان گرفتن جنگ و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، به تدریج به تعداد زنان در بازار کار کشور افزوده شد. در سال ۱۳۷۰ شمار فعالان زن به بیش از ۱/۶ میلیون نفر رسید و نسبت زنان شاغل بر کل جمعیت فعال به ۱۱/۷٪ افزایش یافت. در فاصله سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ نیز این روند صعودی تداوم یافت. تعداد زنان فعال از مرز ۷۰۰۰۰۰۰ نفر گذشت و ۱۲/۷٪ از کل نیروی کار کشور به زنان اختصاص یافت. با این وجود سهم زنان شاغل در سال ۱۳۷۵ همچنان کمتر از سال ۱۳۵۵ بود. روند افزایش سهم زنان در بازار نیروی کار از سال ۱۳۷۶ نیز همچنان ادامه داشته و در پایان سال ۱۳۸۰ به حدود ۱۴/۵٪ رسید.

افزایش عرضه بسیاری از کالا و خدماتی که در گذشته زنان خانه دار مشخصاً تولید می کردند سبب شد که زنان اوقات فراغت بیشتری بیابند و بتوانند علاوه بر امور منزل، ساعاتی را به فعالیتهای اقتصادی اختصاص دهند. در دهه های اخیر تفکر سنتی

لزوم خانه نشینی زنان و دختران دچار تحولی مثبت شد و بسیاری از خانواده های سنتی پذیرفتند که دختران و زنان هم می توانند در خارج از منزل فعالیت داشته باشند. افزایش سطح تحصیلات و مهارت از یکسو و تسلط وضعیت تورمی که قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده است از سوی دیگر، سبب افزایش سهم زنان در بازار کار شده است.

مشکلات و موانع اشتغال زنان

بخشی از مسایل و مشکلات اشتغال زنان موانع توسعه ای است که به ساختار کشورها مربوط می شود و بخشی از آن موانع غیرتوسعه ای یعنی فرهنگی است:

الف- مشکلات و موانع توسعه ای:

شواهد نشان می دهد که سیاستهای توسعه که توسط بسیاری از کشورهای جهان سوم دنبال می شود، به بدتر شدن شرایط زندگی افراد فقیر روستایی منتهی می گردد. مطالعات نشان می دهد که صدها میلیون نفر از مردم بینهایت فقیر در سراسر دنیا از توسعه اقتصادی صدمه دیده اند. اگرچه زنان و مردان قربانیان توسعه می باشند، اما برای زنان تطبیق با موقعیت جدید مشکلتر است. زیرا از یک طرف تعهدات و مسئولیتهای خانوادگی آنها را کم تحرک از مردان می سازد و از طرف دیگر رسوم و سنن فرصتهای شغلی آنها را محدود می سازد. آنان معمولاً از آموزش و مهارت کمتری برخوردارند و این امر محدودیتهای زیادتری برایشان به وجود می آورد. همچنین اکثر زنان کشورهای جهان سوم که در مشاغل سنتی به کار مشغولند، با ورود تکنولوژی جدید کار را به مردان واگذار می کنند.

ب- مشکلات و موانع غیر توسعه ای:

۱- موانع فیزیولوژیکی:

دختران به هنگام تولد به طور متوسط کمی از پسران کم وزنترند، اما میزان مرگ و میر پسران در سال اول زندگی کمی بیشتر از دختران است و در پایان راه مردان زودتر از زنان می میرند، یعنی متوسط عمر زنان از مردان بیشتر است. بطور متوسط قدرت فیزیکی زنان کمتر از مردان است.

۲- موانع فرهنگی:

دانشمندانی چون افلاطون، ارسطو و ژان ژاک روسو معتقدند که زنان و مردان دارای استعدادهای مشابهی هستند، ولی از لحاظ جسمی تفاوتی دارند که در گذر زمان به عنوان موانع فرهنگی این اختلاف بیشتر شده است.

۳- موانع اجتماعی:

موانع اجتماعی عبارتند از: آموزشی، تفکیک موارد شغلی و ...

۴- موانع اقتصادی:

موانع اقتصادی عبارتند از:

الف- کار در خانه بدون دستمزد

ب- اختلاف سطح دستمزد در سراسر دنیا: دستمزد زنان از مردان پایینتر است. بالاترین آن در سوئد ۹۰٪، انگلستان ۷۰٪، کانادا ۶۳٪، ژاپن ۵۱٪، آلمان ۷۸٪، فرانسه ۸۱٪ حقوق مردان می باشد.

مشکلات اشتغال زنان ایران

طبق نظرسنجیهای انجام شده مشکلات عدیده ای وجود دارد که این مشکلات را به صورت جدول و نمودار زیر نشان داد:

ردیف	مشکلات اقتصادی	درصد
۱	محدودیت در انتخاب شغل	۲۷
۲	عدم استقلال مالی	۲۷
۳	فشار گرانی کالاها به دلیل مدیریت مخارج توسط خانم ها	۲۳
۴	عدم برابری دستمزد خانمها و آقایان	۲۳
۵	عدم تأمین مالی خانمها پس از مرگ همسر	۱۷
۶	وابستگی اقتصادی دانشجویان دختر به خانواده هایشان تا آخر تحصیلات	۳/۵

ردیف	مشکلات اجتماعی و حقوقی	درصد
۷	قوانین طلاق علیه زنان	۴۰
۸	عدم برابری زنان و مردان در محیط کاری و اجتماعی	۳۰
۹	عدم دسترسی به مکانهای ورزشی و هنری و ... مخصوص زنان	۲۰
۱۰	محدودیت در انتخاب ظاهر دلخواه	۲۰
۱۱	قوانین ارث	۱۷
۱۲	دید زن نسبت به مرد	۱۰

منبع: واحد نظرسنجی ماهنامه «اقتصاد ایران»

رابطه اشتغال زنان با رشد و توسعه اقتصادی

الگوی رشد کلاسیک سعی در توضیح رشد بلند مدت اقتصاد در چارچوب نظام سرمایه داری دارد. از آنجا که تراکم سرمایه عامل اصلی رشد است، دستیابی به این هدف مستلزم سود است و هر چه سود بالاتر باشد رشد اقتصادی سریعتر خواهد بود و تمام مسایل از جمله مسأله زنان و اشتغال آنان تحت الشعاع قرار می گیرد. از این رو مشارکت زنان در فرآیند رشد، فقط به صورت ابزار تولید و آن هم در جهت به حداکثر رساندن سود بنگاهها دیده می شود که این دیدگاه جای بحث دارد.

توسعه یک فعالیت هدفدار و ارزشمند است که مستلزم مشارکت همه انسانها - اعم از مرد و زن - است. از این دیدگاه زن عامل فعال در توسعه اقتصادی است. ارزش اقتصادی زن در فعالیتهای غیراقتصادی خانواده پیامدهای اقتصادی دارد. باید زن را که در راه توسعه پایدار قدم برمی دارد، بیشتر در منافع مادی و معنوی مشارکت دهیم و با این سیاست حتی خانواده ها را مستحکمتر کنیم. زنان شهروندان درجه دو نیستند. این سیل عظیم و گرانبها را هنوز در توسعه پایدار کشور جای نداده ایم و ارزش واقعی آنها را ندانسته ایم. تجربه نشان داده است که زنان می توانند با حفظ شخصیت اجتماعی و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، نقش پر اهمیت خویش را در خانواده به نحو احسن ایفا کنند.

از طرفی علاوه بر اثر مثبت اشتغال بر کاهش نرخ رشد جمعیت، اشتغال زنان می تواند سطح فرهنگی جامعه را ارتقا بخشد. به یقین زنان با مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی، با آگاهی بیشتری به آینده خانواده و کشور خود خواهند اندیشید.

اصطلاح اسفنج بازار و اشتغال زنان

نیروی فعال در بخش غیر رسمی، سهم بزرگی از شاغلان مناطق شهری کشورهای درحال توسعه را به خود اختصاص میدهد. برخی از اقتصاددانان، بخش غیررسمی را اسفنج بازار کار نامیده اند، زیرا قادر است بسیاری از جویندگان کار را به خود جذب کند. در درون بخش غیررسمی زنان و کودکان از بقیه آسیب پذیرترند. محدود بودن فرصتهای شغلی در بخش غیر رسمی زمینه مناسبی را برای جذب زنان به بخش غیررسمی فراهم آورده است.

اصولاً زنان به بی ثبات ترین و کم درآمدترین مشاغل جذب می شوند. بسیاری از زنان خانه دار، قسمتی از کار واحدهای تولیدی را به صورت کارمزدی در منزل به انجام می رسانند و هر زمان که کارفرما با کمبود تقاضا یا مشکل مواد اولیه مواجه شد، زنان کار مزدبگیر شغل خود را از دست می دهند. انعطاف پذیری بالا و پایین بودن هزینه نیروی کار، بی نیازی به کارگاه وسیع برای جای دادن نیروی کار و پنهان بودن از دید نهادهای مالیاتی و مأموران بیمه، استقبال کارفرمایان از به کارگیری زنان کارمزدی را افزایش داده است. هیچ یک از این گروه شاغلان بیمه نیستند و هیچ گونه مزایای بازنشستگی و از کارافتادگی به آنان تعلق نمی گیرد. سهم زنان در فعالیت های بخش غیررسمی چشمگیر است. در سال ۱۳۷۵ بیش از ۱۲۰ هزار نفر از شاغلان زن مناطق شهری کشور، به طور مستقل به فعالیتهای اقتصادی اشتغال داشته اند، حدود ۴۴ هزار زن، کارکنان خانوادگی بدون مزد محسوب شده اند و وضعیت شغلی ۵۲ هزار نفر از زنان شاغل شهری نامشخص اعلام شده است. بخش بزرگی از کارکنان مستقل، کارکنان خانوادگی بدون مزد و کارکنان طبقه بندی نشده و نامشخص، در فعالیتهای غیررسمی به کار مشغولند. بنابراین بیش از ۲۰ درصد از زنان شاغل در مراکز شهری به فعالیتهای غیررسمی جذب شده اند.

با توجه به سهم فزاینده بخش غیررسمی در اشتغال مناطق شهری کشور و قابلیت‌های اشتغال زایی این بخش، برخی از نهادهای عمومی از جمله وزارت کار و شهرداری‌ها، با ایجاد دوره‌های آموزشی آزاد فنی و حرفه‌ای و پرداخت وام‌های مرتبط با خلق اشتغال، تأسیس بازارچه‌های خوداشتغالی و ... تلاش کرده‌اند که بهره‌وری نیروی کار در فعالیتهای غیررسمی را افزایش دهند و بدین طریق بر درآمد این گروه بیفزایند.

کمبود آمار و اطلاعات سبب می‌شود که تنها تصاویر مبهمی از میزان مشارکت زنان در بخش غیررسمی ترسیم شود. با این وجود مسلم است که به دلیل محدودیتهای توان اشتغال زایی در مؤسسات مدرن و بزرگ صنعتی و خدماتی کشور، زنان به طور فزاینده‌ای وارد مشاغل غیررسمی شده‌اند و با توجه به افزایش تعداد زنان فعال، این روند در سالهای آینده نیز ادامه خواهد یافت.

وضعیت زنان جهان

وجود نابرابری‌ها بخصوص برای زنان در همه جوامع کم و بیش وجود دارد و توجه به این امر در چند سال اخیر از سوی سازمانهای مختلف بیشتر شده است. به گونه‌ای که تحقیقات و بررسیهای انجام شده توسط این مؤسسات مبنای بسیاری از برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان کشور قرار گرفته است.

از چند سال پیش مطالعات و پژوهشهای متعدد از سوی سازمانهای جهانی ILO و UN در تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه‌ای و ملی، میزان اشتغال آنان، عوامل بازدارنده فعالیت زنان، نگرشها و تمایلات زنان و نقش آنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده‌سازی افکار عمومی ملتها و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است.

زنان در زمینه‌های بسیاری از مردان عقبتر مانده‌اند. سواد، تحصیلات عالی، اشتغال، بهداشت و در بسیاری جنبه‌های دیگر، موقعیت زنان مناسب آنان نمی‌باشد.

دو نوع طرز تفکر لیبرالیسم از زنان و اشتغال آنان

گروه اول (کنیز) سعی در بازسازی اقتصاد کلاسیک در چارچوب جدید دارد. در این الگو بدون آنکه به اهداف اولیه الگوی کلاسیک لطمه‌ای وارد آید، سعی می‌شود آن را قابل دوام سازد. از اینرو با ارائه سیستمهای تأمین اجتماعی، ساعت کار، بیکاری و غیره سعی در ایجاد سنتز جدیدی دارد. الگوی اشتغال زنان نیز بدون آنکه در محتوای آن تغییری حاصل شود، از این وضعیت متأثر می‌شود.

دیدگاه دوم، دیدگاه سوسیالیستی است که در آن به حداکثر رساندن سود بنگاه شرط لازم برای رشد اقتصادی نیست، بلکه هدف سیستم، دستیابی به رشد اقتصادی در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. هر چند که در این دیدگاه به جای سود، افزایش تولید ملی مطرح است و به مسأله توزیع عادلانه توجه بیشتری معطوف می‌شود، ولی به زن و اشتغال زنان نیز به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف (رفاه مادی) نگاه می‌شود. از اینرو اشتغال زنان نیز بایستی در جهت اهداف تولید جامعه قرار گیرد. نمونه بارز

آن، برنامه «اشتغال کامل» شوروی در دوره استالین و پس از آن است که حتی زنان متخصص دارای بچه کوچک مجبور به کار کردن بودند و تخطی از این کار مستوجب مجازاتهای کیفری بود.

برای حذف نابرابریها چه باید کرد؟

در ایران و در بیشتر کشورهای در حال توسعه، یکی از نابرابریها در دسترسی به نیازهای اساسی جامعه را باید در تفاوت دسترسی زنان و مردان دانست. با توجه به دسترسی کمتر زنان به نیازهای اساسی و سهم واقعی اقتصادی بالای زنان در خانوار و همچنین سهم کم زنان در کسب درآمد واضح است که زنان باید از استراتژیهای محرومیت زدایی و کاهش محدودیتهای اجتماعی، اقتصادی و حقوق بهره مند شوند. به عبارت دیگر وظیفه دولت و جامعه این است که برای دسترسی همه افراد به نیازهای اساسی امکانات مساوی فراهم سازند. استراتژی مؤثر برای دستیابی به این هدف باید به طریقی تدوین شود که موجبات ارتقای وضعیت زنان را فراهم کند. استراتژیهایی که بهره وری تولید زنان را افزایش دهد قادر به حذف نابرابریها خواهد بود. دسترسی به تحصیلات همچنین پیشرفت تحصیلی (خصوصاً در مناطق روستایی) در مورد زنان کشورهای در حال توسعه محدودتر است. از اینرو تا هنگامیکه نابرابری سطح آموزش زنان و مردان کاهش نیابد، مشکل بتوان مشارکت زنان را در مشاغل بهره مند از درآمد بالا (تخصصی) و تصمیم گیری بالا ممکن ساخت. سیاستهای یکجانبه اگرچه ممکن است موجبات ارتقای نابالغانه زنان را فراهم سازد، ولی نه تنها کمکی به بهبود وضعیت زنان نخواهد کرد، بلکه در دراز مدت اعتماد به قابلیتهای زنان را در ارتقاء به مراحل تصمیم گیری و مدیریت سطوح بالا کاهش خواهد داد. از اینرو سیاست مناسبی است که امکانات دسترسی مساوی تمام افراد جامعه (زن و مرد) و بهره وری زنان را فراهم سازد. آموزش زنان از مهمترین این سیاستهاست.

راه مقابله با بحران بازار کار

بدیهی است راه مقابله با بحران در بازار کار، تلاش در زمینه حذف موانع موجود بر سر راه حرکت پویای اقتصادی است. با سد کردن موقت راه ورود نیروهای بالقوه به بازار کار می توان در کوتاه مدت بحران را تخفیف داد، ولی این احتمال همچنان باقی خواهد ماند که در آینده بحران با شدت بیشتری ظاهر شود. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق مسلم زنان متخصص و تحصیل کرده ایران است که خواستار شغلی مناسب با توان و استعداد خود باشد.

تدوین یک استراتژی روشن، هماهنگ و یکپارچه برای بخشهای مختلف اقتصاد، حل مشکلاتی چون بی ثباتی در فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور، ایجاد محیط مناسب برای افزایش سرمایه گذاری، جذب سرمایه های داخلی و خارجی به سوی فعالیتهای مولد، توسعه توریسم، ایجاد تحرک در مناطق آزاد، کاربرد صحیح و سازگار سیاستهای پولی، ارزی و مالی توسط دستگاه اجرایی کارآمد و پرتحرک با خلق و حفظ رونق اقتصادی، قادر به حل مشکل بازار کار کشور خواهد شد.

محروم کردن اقتصاد از نیمی از سرمایه انسانی، برای کشورهایی که باید راهی سخت و طولانی را برای غلبه بر عقب ماندگی های خود طی کنند، قطعاً راه حلی عقلایی نخواهد بود.

باید سیاستهای مالی در جهت فرصتهای اشتغال و کاهش میزان بیکاری پنهان عمل کند. بدین منظور مخارج دولتی باید در مسیر طرحهای بالاتر اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد که بیشتر کاربر و سرمایه اندوز است. این هزینه ها ایجاد اشتغال بیشتری می کند و بازدهی تولید را در بلند مدت افزایش می دهد. در کشورهای در حال توسعه با جمعیت روستایی بیشتر، دولت می تواند با اعمال برنامه های توسعه منطقه ای کارگران بیشتری را وارد این پروژه ها نماید و در منابع سرمایه صرفه جویی کند. دولت علاوه بر تعهدات خود در احداث بنگاههای تولیدی و دولتی، باید در مراحل اولیه روند توسعه اقتصادی به طور همزمان از اعطای اعتبار ارزان، تخفیفهای ویژه، معافیتهای مالیاتی و غیره سرمایه گذاران این بخش را تشویق کند.

در مناطق روستایی هدف اصلی باید توسعه صنایع محلی از طریق تأمین سرمایه و تخصص و آموزش لازم باشد. سرمایه گذاریها در این زمینه ها با ایجاد فرصتهای اشتغال می تواند مشکل بیکاری این کشورها را تا حدی حل کند.

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه نرخ رشد جمعیت بسیار زیاد است هدف اقتصادی ایجاد اشتغال دقیقاً منطبق با جریان رشد اقتصادی کشور خواهد بود. رشد سریع اقتصادی تنها زمانی امکانپذیر است که نرخ رشد ایجاد امکانات اشتغال و نیز درآمد سرانه به مراتب بیشتر از نرخ رشد جمعیت باشد. بدین ترتیب باید تأکید بیشتری بر برنامه های تنظیم خانواده داشت. تا زمانی که رشد جمعیت کنترل نشده است، هدف افزایش ایجاد فرصتهای شغلی غیرممکن به نظر می رسد.

نتیجه گیری

نیروی انسانی یکی از ذخایر مهم و بارز کشورها در حال توسعه می باشد. چنانچه این کشورها بتوانند نیروی انسانی را در جهت رشد و تعالی و تخصص بار آورند، با کشورهای صنعتی رقابت خواهند نمود.

زنان، این نیروی عظیم که انواع مختلف کارها را چه بطور رسمی و چه بطور غیررسمی انجام می دهند، چنانچه به استعداد بالقوه آنان توجه شود یکی از منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود. در این کشورها سواد زنان ۵۰٪ مردان بوده و آنان یک سوم مردان از تحصیلات عالی برخوردارند و نرخ مشارکتشان بطور متوسط ۵۰٪ مردان می باشد. این امر نشانگر آن است که در کشورهای در حال توسعه از این منبع عظیم استفاده بهینه صورت نمی گیرد.

میزان دستمزد پایین زنان نسبت به مردان و مشکلات و موانعی که برای آنان در آموزش و اشتغال وجود دارد، وضع را همچنان به ضرر و زیان ثبات می بخشد.

بطور نظری اگر کنش افراد را بصورت یک نظام در نظر بگیریم، رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر نظامهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظام شخصیتی آنان است. زیرا زنان به واسطه نقشهای محول خود انتظاراتی را باید پاسخگو باشند که از طریق جامعه پذیری در خانواده و مدرسه فرا گرفته اند و اگر اهداف یک جامعه متعالی بوده و رشد و توسعه افراد خود را در همه زمینه ها در نظر داشته باشد، باید وسایل و ابزارهای دستیابی به آن اهداف را نیز فراهم کند، در غیر اینصورت افراد برای انطباق و سازگاری راههایی را در پیش خواهند گرفت که در پایان رفتار به هنجار نبوده و برای ثبات جامعه مشکل به وجود خواهد آورد. زنان با اهداف جامعه مبنی بر نیاز به کار و فعالیت و تولید در کارخانه ها و کارگاهها و مؤسسه ها آشنا شده و با انگیزه های مختلف وارد کار می شوند. اتخاذ روشهای انطباق با شرایط جدید بر حسب ارزشهای درونی شده که از خانواده و

محیط اجتماعی گرفته اند، متفاوت می باشد. الگوی رفتاری زنان برای همه جوامع یکسان نیست، هرچند که شرایط جسمی و فیزیولوژی آنان در همه جا مشابهت‌های رفتاری را توجیه می نمایند. یکی از هنجارهای جوامع برای زنان تشکیل خانواده و ایفاء نقش مادری و همسررداری است. هرچه یک جامعه سنتی تر باشد به این نقش‌های محول اهمیت بیشتر داده و آزادی عمل برای یافتن موقعیت بهتر در نقش‌های اکتسابی را از افراد سلب می کند.

مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان می دهد که هنوز افراد چه مرد و چه زن در پذیرش نقش‌های جدید زنان تردید دارند. بسیاری از زنان اظهار می دارند که در ترکیب نقش‌های خود در خانه و اشتغال بیرون از خانه دچار تضاد می شوند و چنانچه حمایت کافی از آنان نشود، ناچار کار بیرون از خانه را رها خواهند کرد.

غیر از مسائل درون خانواده مشکلات دیگری هم در زمینه شغل برای زنان وجود دارد. تبعیض شغلی که در همه کشورها کم و زیاد دیده می شود، عرصه کار و فعالیت را در عمل برای زنان محدود می کند. در پیش داورها نسبت به کار زنان که باز هم از نظام ارزشی یک جامعه تأثیر می پذیرند، چنین آمده است که چون زنان از نظر جسمی ضعیف‌ترند و مسئولیت‌های مربوط به خانه و بچه ها را دارند، کارهای مهم و حساس و مشاغل مدیریتی را نمی توانند انجام دهند و چون ثبات شغلی ندارند، بنابراین در شرایط مساوی زن و مرد برای استخدام، مردان برتری دارند.

در بررسی که بر روی ۵۰ سازمان انجام گرفته است، طبق نظرخواهی از ۵۰ مدیر سطح بالای سازمانها، اکثریت بر انطباق کاری بیشتر زنان نسبت به مردان و وظیفه شناسی و تعهد آنان اذعان داشتند و نیمی از آنان از پرسنل زن راضی تر از پرسنل مرد بودند. با این حال در انتخاب افراد در رده های شغلی بالاتر در میان زنان و مردان با تحصیلات و تجربه مساوی مردان را ترجیح می دهند. این امر بقایای پیشداوریهای غلطی است که افراد علیرغم آگاهی و شناخت و بالا بودن سطح تحصیلاتشان هنوز به آنها عمل می کنند و حتی فرزندان در یک خانواده سلطه پدر را به وضوح مشاهده می کنند. از طریق وسایل ارتباط جمعی در نمایشها، فیلمها و همچنین در کتب درسی، در آموزش مستقیم و غیر مستقیم مردان را در کارهای بالاتر قرار می دهند و زنان را در کارهای پست تر و این تصویر ایجاد می شود که مشاغل سطح بالا و مدیریتی خاص مردان است و زنان نمی توانند در آنها به خوبی انجام وظیفه کنند. چنانچه کشوری بخواهد مسیر رشد و توسعه را در پیش گرفته و مشکلات را در این راه از پیش پا بردارد، باید به موانع اشتغال زنان توجه نماید. این موانع که طیف وسیعی از موانع فیزیولوژیکی، شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می گیرد، شرایط خاصی را در اشتغال زنان به خصوص در کشورهای جهان سوم ایجاد نموده است. در این کشورها که اقتصادشان مبنی بر کشاورزی بود، مدت زیادی نیست که صنایع جدید در شهرهای آنها رشد نموده است. با این وجود، زنان از دیرباز در فعالیت کشاورزی در کنار سایر فعالیتهای خانه به دمداری، کشت دانه، پرورش حیوانات و طیور، درختکاری، تهیه میوه و سبزیجات و سایر مایحتاج خانواده مشغول بودند، ولی با این همه فعالیت، چون مزد دریافت نمی کردند، تولید آنها در درآمد ملی محاسبه نمی گردید. با رشد صنایع در شهرها شرایط جدید اشتغال مزد بگیری به وجود آمد که این شرایط گاهی متناسب با وضعیت فیزیولوژی زنان نبود. قوانین و مقرراتی برای کارگران زن وضع شده است و برای آنان در جهت کسب درجات عالی، موانع اجتماعی وجود دارد. آموزش که از مسائل مهم رشد و توسعه است، به واسطه بعضی موانع فرهنگی برای زنان اهمیت داده نمی شود، مانند بزرگ نمودن تفاوت‌های جسمی که این امر منشأ تفاوت‌های روانی و شخصیتی گشته و از طریق جامعه پذیری در الگوهای رفتاری مؤثر واقع

می شود و خانواده را بسوی سرمایه گذاری آموزشی برای دختران سوق می دهد. دختران از ابتدا با این تبعیضها میان خود و برادرانشان روبرو شده و کم کم خود نیز این باور را تثبیت می نمایند که تفاوت‌های اساسی با پسران دارند، لذا از امکانات کمتری باید بهره ببرند. بنابراین انگیزه دستیابی به سطوح بالاتر آموزش را از دست می دهند و با توجه به اینکه وظیفه اصلی آنها مادری-همسری تلقی می شود، با مشکلات ترکیب نقشها در داخل و خارج از خانه روبرو می گردند. از سوی دیگر وجود تبعیضها در سازمانها و مؤسسه ها و دستمزد پایین زنان آنان را از تشویق نسبت به ادامه کار و توسعه باز می دارد. البته در سالهای اخیر ادامه تحصیل برای فرار از محیط بسته خانه و به عنوان راهی برای یافتن شریک زندگی بهتر، مورد استقبال زنان قرار گرفته است که علی رغم فواید بسیار آن، در بعضی جهات می تواند بر آینده دختران بویژه ازدواج آنان تأثیر منفی داشته باشد.

تقسیم کار لازمه یک جامعه رشد یافته است که بر اساس استعداد و توانمندیهای افراد به وجود آمده است و ممکن است بر حسب شرایط فیزیولوژیکی و سنی افراد فرق کند، ولی نباید بر مبنای تفاوت‌های جنسی قرار داده شود. در ابتدا این باور باید در اذهان مرد و زن جان گیرد که زنان می توانند در عرصه های اجتماعی بیشتر از گذشته توانمندیهای خود را نشان دهند. جایگزینی این باور در اذهان توسط پرورش کودک در خانواده و سپس مدرسه و محیط اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی باید انجام گیرد. تمهیدات دولت جهت زنان شاغل و سهل نمودن شرایط کاری و اشتغال آنان به کارهای تخصصی با دستمزد بالاتر و امکانات رفاهی بیشتر مشوق آنان به کار خواهد بود. آشنا ساختن خانواده به تقسیم کار در داخل خانواده و مسئولیت پذیری اعضا و از سویی تشکیل مؤسسات و سازمانهایی که خدمات خانگی را ارائه دهند، باعث می گردد زنان مشغله کمتری داشته باشند و به کارهای اساسی تر بپردازند. بدین طریق از این نیروی عظیم در جهت رشد و توسعه کشور بهره بیشتری عاید می گردد.

منابع:

- ۱- قانون کار جمهوری اسلامی ایران، تهران، راه رشد
- ۲- نقش زنان در توسعه، غلامرضا شهریور، مجله تعاون
- ۳- زنان در بازار کار ایران، مهرانگیزکار
- ۴- تگرشی نوین به اشتغال زن در ایران، معاونت برنامه ریزی دفتر جمعیت و نیروی انسانی
- ۵- جامعه شناسی اشتغال زنان، دکتر خدیجه سفیدی
- ۶- حضور کم رنگ زنان در بازار کار، مریم غفاری، مجله اقتصاد ایران
- ۷- راهکارهایی برای ایجاد اشتغال و رفع بیکاری در کشور، محمد باقر نژادبان فرد
- ۸- نقش زنان در اقتصاد استان آذربایجانشرقی، میترا رهنمائیان
- ۹- سالنامه آماری کشور سال ۷۷